



نگاه کن

صورت و رخسار بازیکنان را می‌توانیم مشاهده کنیم اما چهره زن از قاب عکس پنهان شده است. گویی زن به دوربین و مخاطب پشت کرده است که این می‌تواند دلالت به نوعی فاصله اجتماعی و جدایی داشته باشد. گویی زن از موقعیتی که در آن قرار گرفته است ناراضی است اما سروصدا و جنجال هم راه نینداخته است بلکه خموشانه به انتظار و تماشا نشسته است و امیدوارانه چشم به روزهای پرحادثه آتی دوخته است. پیروزی و برد بازیکنان در اینجا آمادگی بیشتر و نواختن تور دروازه حریفان است اما برای زن مسأله حقوق اجتماعی و به رسمیت شناخته شدن انتظارات مشروع و قانونی است. یکی دیگر از جذابیت‌های عکس در عین سادگی آن به لحاظ خوانش، مسأله نگاه‌ها است. نگاه‌های مردان فوتبالیست معطوف به خود، هم‌تیمی، توپ، دروازه و زمین است و برخی نیز نگاه به هدفی دارند که برای ما مشخص نیست. زن نیز با این صورتش به سمت زمین است اما هدف نگاه او نیز نامعلوم است. در عکس، زن یکه و تنهاست. او در مقام یک فرد مُنفرد به تماشای جمع آمده است. هدف نگاه، دیگری مردانه است که از منظر فرهنگی نیز صاحب موقعیت و قدرت فرادستانه است. عکاس با زیرکی زاویه دید نسبتاً‌های انگل را برگزیده تا برتری فوتبالیست‌ها نسبت به زن را از هر حیثی نشان دهد (زن در لایه پایینی قاب قرار گرفته است). زن در عکس بدون هرگونه حامی و همراهی است. گویی زنان دیگر تنه‌ایش گذاشته‌اند یا او یک استثناست. از این منظر عکس راست نمی‌گوید و میل قشرهای اجتماعی برای حضور اجتماعی، ورزش و تماشای مسابقات فوتبال همسنگ مردان را از نظر عزل می‌کند. عکس شبیه یک قصه است. گویی زن با حضور و نگاهش به آینده پل زده است.

هم طرفدار فوتبال و ورزش بوده اما در حاشیه‌اند. زن در اینجا در خانه نیست بلکه در فضای اجتماعی است اما این حضوری به‌شدت در حاشیه و برکنار از فعالیت و کنش ورزشی است. گویی او فراتر از مشاهده کار دیگری نمی‌تواند رقم بزند. زن مشغول هیچ کاری جز دیدن نیست. نه شادی می‌کند و نه نشانی از هواداری با خود دارد. در عکس نرده‌ها حالتی ویژه پیدا کرده‌اند. گویی مرزی شکل گرفته است. مرز اینجا همان خط و طول و عرض نرده‌های سفید است که ادامه آن را در منتهی‌الیه پس‌زمینه عکس می‌توان مشاهده کرد. روی نرده‌ها شبیه سطح سبز زمین، سایه افتاده است و همین امر در کنار تضاد رنگ پوشش زن و بازیکنان کنتراست عکس را بالا برده است. در حقیقت می‌توان گفت دوگانه زن و مرد در قالب دوقطبی درون و بیرون زمین، این طرف نرده‌ها و آن‌طرف نرده‌ها و این سو و آن‌سو تداوم‌یافته است. مردان پا به توپ هستند. گوی و میدان از آن آنهاست اما زن نقش بیندگی محض دارد و بازیکنان در حال تمرین و بازی هستند. نرده‌ها شبیه حصار نیستند و میله‌ها تداعی‌گر وضعیتی زندان گونه مطلقاً نیست. نرده‌ها به هم فشرده نبوده و شبیه فنس به نظر نمی‌رسند. گویی دیواری حائل نیست و عبور از بین آنها ناممکن نیست. در حقیقت می‌شود از آن عبور کرد و گذشت. از این جهت می‌توان گفت نقش منفعل زن که عکس به تصویر کشیده، تقدیر همیشگی و ابدی او نیست کما اینکه در حال حاضر فوتبال و ورزش زنان در ایران نسبت به یک دهه قبل مقبولیت و شیوع زیادی یافته است و دولت نیز حامی ورزش حرفه‌ای و قهرمانی زنان و همچنین هواداران زن است. مسأله تماشاگری ورزشی اما هنوز مسأله‌ای مورد بحث و مناقشه برانگیز بین گروه‌های مختلف اجتماعی است. نکته دیگر عکس این است که ما

از این بین سیزده نفر مرد هستند. از این تعداد دو نفر مربی یا مسئول تدارکات تیم بوده و بقیه بازیکنان را تشکیل می‌دهند که با کلاه و پوشش متمایز (لباس ورزشی قرمز) متمایز شده‌اند و یک نفر باقیمانده طبیعتاً و همان‌طور که مشهود است؛ هویت زنانه دارد. مقتضیات عکس شامل توپ و جعبه وسایل بازیکنان و دروازه، تابلوهای تبلیغاتی و از همه مهم‌تر نرده‌هاست. نرده‌ها فضای پیش‌زمینه و پس‌زمینه را تفکیک و تقسیم ساخته و به سطح متمایز بخش‌بندی کرده است. در اینجا شاهد یک دوگانه هستیم. زن تماشاچی و مردان فعال پا به توپ. این قاب از این حیث مترادف کلیشه‌های اجتماعی است که زن را منفعل و نظاره‌گر ترسیم می‌کند. عکس از این منظر سراسر کلیشه‌زده و جنسیت‌زده است و درصدد آن است که ایماژ و مفهومی خاص را به مخاطب القا کند. مردان پا به توپ در حال و احوال ورزشی و تحرکات حرفه‌ای خود هستند و غافل از زن تماشاگر. زن اما تمام حواسش به قاب روبرویش است؛ تمرین ملی‌پوشان و ستاره‌های مشهور مستطیل سبز. پوشش مردان، پوشش ورزشی است. پیراهن و شورت ورزشی و کفش‌های استوک‌دار. زن اما پوشش رسمی و اجتماعی دارد. به بیان دیگر هرچقدر مردان آزادانه مشغول فعالیت حرفه‌ای هستند اما زن در چارچوبی رسمی، ساکت و آرام و بی‌تحرک ایستاده و ناظر است. تضاد دیگر عکس، تضاد سکون و حرکت است. هر یک از مردان حاضر در عکس در حال انجام عملی هستند و حداکثر در حال انتظار ضربه به توپ هستند اما زن بی‌حرکت است. پوشش زن نیز پوشش چادر است. می‌دانیم چادر پوشش برتر، رسمی و هنجار دولتی در ایران است. در اینجا عکس دلالت ایدئولوژیک دیگری پیدا می‌کند بدین‌صورت که به مخاطب عکس می‌گوید حتی زنان چادری و متشرع



آرش حسن‌پور
پژوهشگر مطالعات تصویری

عکس خارجی است. در فضای بیرونی گرفته‌شده است. اینجا کمپ تیم‌های ملی فوتبال ایران است. نور طبیعی عکس را درخشان و برجسته ساخته است. نوری که بر زمین سبز تمرین گسترانده شده و سایه‌هایی انداخته است. به نظر می‌رسد این تمرین در ساعات میانی روز یا بعدازظهر گرفته‌شده باشد. ما در این عکس شاهد تمرین ملی‌پوشان فوتبال هستیم. عکس از این جهت، عکسی خبری و توصیفی است. عکس به بیش از یک دهه قبل و تمرینات آماده‌سازی تیم ملی فوتبال برای حضور در مسابقات جام جهانی ۲۰۰۶ بازمی‌گردد. این امر را می‌توان از فوتبالیست‌ها و جمع بازیکنانی حدس زد که امروز بازنشسته شده یا در کسوت مربی فوتبال فعالیت می‌کنند. افزون بر این توپ‌های ویژه جام جهانی (برای تمرین) عکس را به حوالی بهار سال ۱۳۸۵، سرمربیگری برانکو ایوانکوویچ و ریاست محمد دادکان بر مسند فدراسیون فوتبال می‌برد. چهره‌ها سرشناس‌اند. وحید هاشمیان، علی کریمی، مهدی مهدوی‌کیا، یحیی گل‌محمدی و فریدون زندی. عکس چند سطح دارد. یک فضای پیش‌زمینه و یک فضای پس‌زمینه. در پس‌زمینه عکس شاهد فوتبالیست‌هایی هستیم که حضار عمده عکس را تشکیل می‌دهند. در پیش‌زمینه زنی مشغول به تماشای تمرین ملی‌پوشان است. در کل عکس چهارده نفر حضور دارند که